

ابعاد حقوقی میراث مشترک بشریت در فضای ماورای جو

مرتضی رستمی**

بیژن عباسی*

چکیده

مقاله حاضر که به فضای ماورای جو با رویکردی حقوق بشری نگریسته، پس از بیان مفهوم، پیشینه و عقاید مخالفان اصل میراث مشترک بشریت در فضای ماورای جو، به تحلیل عناصر پنج‌گانه‌ی آن شامل: غیرقابل تخصیص بودن، تقسیم منصفانه منافع، نفع بشریت، مدیریت بین‌المللی و استفاده صلح‌آمیز پرداخته است که مهمترین دستاورد این مقاله، پاسخ به برخی از چالش‌های موجود در زمینه‌ی شناسایی فضای ماورای جو به عنوان میراث مشترک بشریت می‌باشد و می‌تواند دستیابی هرچه بیشتر کشورهای فاقد فناوری فضایی به فضای ماورای جو را توجیه نماید. امروزه، نظریه‌ای که فضای ماورای جو، کره ماه و سایر اجرام آسمانی را میراث مشترک بشریت می‌داند، آنها را غیر قابل تصاحب و تملک دانسته و معتقد است منافع حاصل از آنها باید به نحو عادلانه میان کشورها تقسیم شود به طوری که در کنار منافع کشورهای در حال توسعه، تلاش‌های کشورهای توسعه‌یافته در زمینه اکتشافات فضایی نادیده گرفته نشود. عینیت یافتن این مفهوم منوط به ایجاد یک نظام بین‌المللی برای اداره آن است و تا زمان ایجاد این نظام بین‌المللی، این عنصر از طریق همکاری‌های بین‌المللی، در سایه‌ی استفاده صلح-آمیز از فضای ماورای جو به عنوان عنصر دیگر این اصل، محقق خواهد شد.

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) babbasi@ut.ac.ir

** دانشجوی دکترای حقوق عمومی دانشگاه تهران rostami300@ut.ac.ir

واژه‌های کلیدی: عدم تخصیص، تقسیم منصفانه، نفع بشریت، مدیریت بین-المللی، استفاده صلح‌آمیز، کوپوس، معاهده ماه، قلمرو همه بشریت.

۱. مقدمه

نظام حقوقی حاکم بر فضای ماورای جو (Outer Space) را می‌توان از دو منظر بررسی نمود: نخست از منظر حقوق بین‌الملل عمومی و دیگر از منظر حقوق بشری که برجسته‌ترین مصداق مورد اخیر، در مفهوم میراث مشترک بشریت (Common Heritage of Mankind) که خود از مصادیق نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی) می‌باشد، نمود یافته است. اگرچه نظریه‌ی میراث مشترک بشریت بودن فضای ماورای جو، خود برآمده از حقوق بین‌الملل فضاست؛ اما از یک سو اصول و عناصر خاص خود را داشته و از طرف دیگر برخلاف حقوق بین‌الملل فضا که صرفاً تنظیم‌کننده روابط حقوقی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های خصوصی در فعالیت‌های فضایی می‌باشد، به فضای ماورای جو، کرات آسمانی و منابع موجود در آن‌ها به‌عنوان مالی که متعلق به همه بشریت است، می‌نگرد. در واقع، متفاوت با مورد فوق در اینجا محوریت با نوع بشر است و دولت‌ها در این محیط به نمایندگی از ملت‌های خود عمل می‌نمایند. اصل میراث مشترک بشریت که پرداختن بدان در چارچوب فضای ماورای جو، شکاف عمیق اقتصادی میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را نشان می‌دهد، همواره محل برخورد عقاید این دو دسته از کشورها بوده است. کشورهای در حال توسعه که در پیدایش این مفهوم، نقش اساسی و محوری داشته‌اند اغلب به اصل میراث مشترک بشریت به‌عنوان یک ابزار حمایت‌کننده از منابع حیاتی متعلق به همه بشریت که به‌وسیله‌ی کشورهای توسعه‌یافته و شرکت‌هایشان بهره‌برداری می‌شوند، می‌نگرند. این کشورها در طول مذاکرات «موافقتنامه حاکم بر فعالیت‌های کشورها در ماه و سایر اجرام آسمانی» موسوم به معاهده ماه (مصوب دسامبر سال ۱۹۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد) و کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای تلاش نموده‌اند تا از مفهوم میراث مشترک بشریت برای ایجاد یک

چارچوب حقوقی در بهره‌برداری از منابع موجود در فضای ماورای جو و بستر دریاها استفاده نمایند. در واقع این اصل، مشارکت مستقیم کشورهای در حال توسعه را که هنوز فن‌آوری یا امکانات مالی لازم را ندارند، در بهره‌برداری و مدیریت بین‌المللی این منابع تامین و از به تصرف و انحصار درآمدن آنها توسط کشورهای توسعه‌یافته جلوگیری و نیز منافع حاصل از آنها را عمدتاً به نفع کشورهای در حال توسعه توزیع می‌نماید. دنیلنکو (Danilenko) در کتاب «مفهوم میراث مشترک بشریت در حقوق بین‌الملل» از آلفرد کوکا که یکی از طراحان اولیه‌ی این اصل در حقوق بین‌الملل فضاست، نقل می‌کند: «این اصل مهمترین قاعده حقوقی است که بشر در طول هزاران سال که در آن، حقوق به‌عنوان عنصر تنظیم‌کننده روابط و مبادلات اجتماعی بوجود آمده است، بدان نایل شده است.» (Danilenko, 1998:250). با توجه به این توصیف می‌توان گفت که حقوق بین‌الملل در قالب اصل میراث مشترک بشریت درصدد حمایت و رعایت منافع انسان‌ها، مستقل از هر نوع انگیزه سیاسی دولت حاکم می‌باشد. این مفهوم در برگیرنده همه‌ی انسان‌ها، فارغ از هر جایی که زندگی می‌کنند و همچنین نسل آینده می‌باشد.

مقاله کنونی که مبتنی بر مطالعات نظری می‌باشد، به دنبال آن است که نظام حقوقی حاکم بر فضای ماورای جو را از بعد میراث مشترک بشریت مورد تحلیل و بررسی قرار دهد تا در پرتو آن، حق دستیابی کشورهای فاقد فناوری فضایی به فضای ماورای جو و منابع موجود در آن را بررسی و تحلیل نماید.

۲. مفهوم و پیشینه میراث مشترک بشریت در فضای ماورای جو و دیدگاه

مخالفان

بررسی ابعاد حقوقی میراث مشترک بشریت، مستلزم شناخت مفهوم و پیشینه‌ی آن است. در کنار بررسی این دو موضوع به دیدگاه‌های مخالفان تسری این اصل به فضای ماورای جو و اجرام آسمانی و همچنین تبیین اجمالی اصطلاحات «فضای ماورای جو»، «اجرام آسمانی» و «منابع طبیعی» پرداخته خواهد شد.

۲,۱. مفهوم میراث مشترک بشریت

دانستن مفهوم میراث مشترک بشریت، مستلزم شناخت تعریف آن و ارتباط آن با مقوله‌های مشابه است.

۲,۱,۱. تعریف میراث مشترک بشریت:

اگرچه اصل میراث مشترک بشریت در اسناد بین‌المللی متعدد از جمله معاهده ماه (۱۹۷۹) مورد اشاره واقع شده است؛ اما نهادهای بین‌المللی و نیز حقوقدانان تاکنون تعریف جامع و قانع‌کننده‌ای که تمام مصادیق آن را در برگیرد، ارائه ننموده‌اند. معاهده ماه در ماده ۱۱ مقرر می‌دارد: «ماه و منابع طبیعی اش میراث مشترک بشریت هستند.» در تبیین اجزای عبارت «میراث مشترک بشریت» می‌توان بیان داشت: «Heritage» به معنای میراث، مالی است که از گذشتگان به ما ارث رسیده و ما در ایجاد آن هیچ نقشی نداشته‌ایم. منظور از کلمه «Common» به معنای مشترک، در این عبارت آن است که منابع به جامعه بین‌المللی در کلیت آن تعلق داشته و به‌طور مشترک با دیگران تقسیم می‌شود. کلمه «Mankind» یا همان بشریت نیز که هنوز در هیچ سند بین‌المللی تعریف نشده است، دارای دو بعد مکانی و زمانی است. بعد نخست آن شامل تمام انسان‌ها در سرتاسر جهان می‌شود و بعد دیگر آن در برگیرنده نسل‌های گذشته، حال و آینده است (جمالی، ۱۳۸۹: ۹۰) در معاهده ماه نیز عبارت بشریت در بردارنده نسل‌های آینده می‌باشد؛ ماده ۴ این معاهده پس از بیان این‌که کاوش و بهره‌برداری از ماه باید مورد انتفاع کل بشریت باشد، می‌افزاید: در این خصوص باید منافع نسل‌های کنونی و آینده مورد توجه قرار گیرد (بند ۱).

۲,۱,۲. ارتباط میراث مشترک بشریت با قلمرو همه‌ی بشریت:

«معاهده‌ی اصول حاکم بر فعالیت‌های کشورهای در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو از جمله ماه و دیگر اجرام آسمانی» که معاهده‌ی فضای ماورای جو (۱۹۶۷) نیز خوانده می‌شود بیان می‌دارد: فضا باید قلمرو همه‌ی بشریت (Province of all

(Mankind) باشد. محققان حقوق فضا معتقدند، عبارت «قلمرو همه‌ی بشریت» که به صورت مجازی در معاهده فضای ماورای جو به کار رفته، به معنای آن است که فضای ماورای جو، محلی برای انتفاع کل بشریت بوده و فعالیت‌های فضایی باید در راستای نفع همه بشریت باشد (Gál, 2004:4). در خصوص ارتباط این عبارت با اصل میراث مشترک بشریت می‌توان گفت: هر دو به موضوع عدم تخصیص فضای ماورای جو به عنوان اموال عمومی نظر دارند و اصل میراث مشترک بشریت، همانند «قلمرو همه‌ی بشریت»، حق غیر انحصاری در اکتشاف و انتفاع از فضای ماورای جو را شامل می‌شود؛ دیگر آنکه، اگرچه در زمان مذاکرات مربوط به کره ماه، آمریکا معتقد بود که این دو عبارت از یکدیگر غیر قابل تشخیص بوده و تفکیک ناپذیر می‌باشند؛ اما این عبارت با اصل میراث مشترک بشریت که در معاهده ماه آمده، دارای چند تفاوت می‌باشد. نخست آنکه: دامنه شمول اصل میراث مشترک بشریت (برخلاف قلمرو همه‌ی بشریت) محدود به اکتشاف و انتفاع نبوده و شامل موضوعات مربوط به حق استخراج منابع و تقسیم آن هم می‌شود (Gabrynowicz, 1992:691-695)؛ دیگر آنکه: در حالی که اصل میراث مشترک بشریت به استخراج منابع بالقوه و تقسیم منابع اشاره دارد، عبارت «قلمرو تمام بشریت» بیانگر حق غیرانحصاری در اکتشاف و انتفاع از فضا بدون حق استخراج منابع و یا تقسیم آن است. به عنوان مثال: همه کشورها حق دارند سفینه‌های خود را در فضا به حرکت درآورند (قلمرو تمام بشریت)، اما تاکنون درباره این که آیا کشورها می‌توانند منابع موجود در فضا را استخراج کنند (میراث مشترک بشریت) توافق حاصل نشده است. به عبارت دیگر اصل قلمرو همه‌ی بشریت به عنوان یک اصل فراگیر و غیرانحصاری مبتنی بر اصل اموال عمومی (Res Communis) است، یعنی چیزی که به همگان تعلق دارد. انتفاع شامل مواردی چون: سنجش از راه دور و ارتباطات می‌شود و منظور از اکتشاف مواردی چون: مأموریت‌های آپولو، مأموریت‌های رباتیک نزدیک فضای زمین و اکتشاف اجرام و سیاره‌های دیگر شبیه مریخ می‌گردد (Gabrynowicz & Etil Serrao, 2004: 299).

۲,۲. فضای ماورای جو، اجرام آسمانی و منابع طبیعی

لزوم شناخت این اصطلاحات، درارتباط تنگاتنگ آنها با مفهوم میراث مشترک بشریت و تشخیص نظام حقوقی حاکم بر بهره برداری از منابع موجود در فضای ماورای جو نهفته است.

۲,۲,۱. فضای ماورای جو: ضرورت تشخیص فضای ماورای جو و تفکیک آن از

فضای جو (یا قلمرو هوایی کشورها) در آن است که این موضوع، محدوده‌ی اعمال اصل میراث مشترک بشریت در فضای ماورای جو را آشکار خواهد ساخت. اگرچه در اسناد بین‌المللی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل بارها از عبارت فضای ماورای جو استفاده شده، ولی تاکنون این محدوده تعریف و به‌طور دقیق تحدید نشده است. همچنین نه کنوانسیون بین‌المللی هواپیمایی کشوری (۱۹۴۴) و نه هیچ یک از معاهدات حقوق بین الملل فضا، به نقطه‌ی تفکیک یا مرز بین دو محدوده‌ی هوا و فضا اشاره ای ننموده‌اند. اما طبق تعریف فدراسیون بین‌المللی هوانوردی: «محدوده‌ی نظری قابل پرواز هواپیما (خط کارمن) که در ارتفاع ۱۰۰ کیلومتری از سطح متوسط دریاها واقع شده است یا پایین‌ترین ارتفاعی که ماهواره‌ها می‌توانند خود را در روی مدارهای مربوطه حفظ نمایند، مرز میان هوا و فضا است» (<http://www.isa.ir>). در نشست‌های پیشین کمیته‌ی فرعی حقوقی استفاده صلح آمیز از فضای ماورای جو، موسوم به کوپوس (Committee on the Peaceful Uses of Outer Space [COPUOS]) بیان شده است که واژه فضای ماورای جو باید بر مبنای تعریف واژه فعالیت‌های فضایی یا اعمال مرتبط با آن توصیف گردد. بر این اساس، گزارش کمیته فرعی حقوقی نیز، ارتفاع ۱۱۰ کیلومتری را بر اساس قابلیت پرواز هواپیما، به عنوان مرز پیشنهاد نموده است (خسروی، ۱۳۸۱: ۵۸ و ۵۹).

۲,۲,۲. اجرام آسمانی (Celestial Bodies): عبارت اجرام آسمانی، به عنوان یکی

از مصادیق میراث مشترک بشریت، در هیچ یک از معاهدات و اعلامیه‌های حقوق بین‌الملل فضا تعریف نشده است؛ از این رو، دایره شمول این عبارت بدقت مشخص نیست. یک نظریه در این خصوص می‌گوید: هر جسمی که بدون در نظر گرفتن اندازه-

ی آن به طور طبیعی، خارج از جو زمین قرار دارد، جسم آسمانی محسوب می‌شود. از این منظر اجسامی به کوچکی ذرات غبار و نیز اجسامی به بزرگی سیاره مشتری، همگی جسم آسمانی هستند. موسسه بین المللی حقوق فضا معتقد است: اجسام فضایی، اشیای مادی هستند که امکان انتقال آن‌ها از فضای ماورای جو وجود دارد. به عنوان مثال: هاله-های گازگونه اطراف برخی از سیاره‌ها و ستاره‌ها را، که نمی‌توان از محل خود منفک نمود، نباید جسم آسمانی دانست. ایرادی که به ضابطه‌ی انتقال وارد است؛ نادیده گرفتن توسعه‌ی دانش و فن‌آوری است، که ممکن است، انتقال این اجسام را در آینده فراهم سازد. آلفرد کوکا (Alfredo Cocca) معتقد است: «جسم آسمانی، جسمی است که حداقل امکان بهره‌برداری از آن و یا استقرار فیزیکی بر روی آن وجود داشته باشد». این دیدگاه که مبتنی بر روش استفاده محوری یا کاربردگرایی می‌باشد، به شرایط فیزیکی اجرام آسمانی برای تعیین نظام حقوقی حاکم بر آنها توجهی ندارد. البته روش کاربردگرایی تطابق بیشتری با اهداف اصلی معاهدات فضایی دارد؛ زیرا در صدد تشویق به اکتشاف و بهره‌برداری از فضای ماورای جو شامل ماه و سایر اجرام آسمانی است. (De Man, 2010: 15) مهمترین موارد مصدق‌ی اجرام آسمانی: سیاره‌ها، قمرهای طبیعی سیاره‌ها (مانند کره‌ی ماه)، ستاره‌های دنباله‌دار، خرده سیاره‌ها و سنگ‌های آسمانی می‌باشند (<http://ssd.jpl.nasa.gov/?bodies>).

۲،۲،۳. منابع طبیعی (Natural Resources): اصطلاح «منبع طبیعی» همانند دو عبارت مذکور، تاکنون در هیچ یک از معاهدات و اعلامیه‌های حقوق بین‌الملل فضا تعریف نشده است. برخی از محققان با ارایه تعریفی گسترده از آن، آن را شامل منابع ملموس و ناملموس (Tangible and intangible resources) دانسته‌اند. بر اساس این نظر، پرتوهای خورشیدی و امواج رادیویی و تمامی اجرام موجود در فضا، منابع طبیعی محسوب می‌شوند. تعریف دیگر که مشابه با تعریف آن در فرهنگ‌های حقوقی می‌باشد، منبع طبیعی را «هر ماده‌ای از طبیعت که دارای ارزش اقتصادی احتمالی باشد»، دانسته است (آقایی، ۱۳۷۸: ۱۶۴). به موجب این نظر، طبقه‌بندی منابع طبیعی موجود در فضا بیشتر بر مبنای قابلیت آنها برای بهره‌برداری صورت می‌گیرد تا ویژگی‌های فیزیکی

معین؛ در نتیجه، از آنجایی که ممکن است هر پدیده‌ی موجود در فضای ماورای جو، یک منبع طبیعی احتمالی باشد، هر جسمی با توجه به موقعیتش می‌تواند یک جسم آسمانی و یا یک منبع طبیعی (معدنی یا غیرمعدنی) قلمداد شود. این دیدگاه که با تعریف کاربردگرایانه اجرام آسمانی مطابقت دارد، با اقبال بیشتری مواجه شده است (De Man, Op.cit.:18-21).

۲,۳. پیشینه مفهوم میراث مشترک بشریت در فضای ماورای جو

شاید بتوان گفت در دوران معاصر، اسمیت (Smith)، نخستین اندیشمندی بود که در سال ۱۹۴۹ در تقریرات خود بیان داشت که «ماه متعلق به هیچ دولتی نیست؛ زیرا تصرف ناشدنی است، و آن میراث مشترک بشریت است.» در همین دوران دو محقق دیگر به نام‌های لیونل لامینگ (Lionel Laming) و اوسکار شاختر (Oscar Schachter) اعلام نمودند: «نه تنها زمین، بلکه به تمام منظومه‌ی شمسی باید به‌عنوان میراث مشترک بشریت نگریسته شود.» در سال ۱۹۵۳ ژوزف کروئل (Joseph Kroell) نیز بیان نمود: «فضای ماورای جو، میراث مشترک بشریت است» (Jakhu, 2009:123). آلفرد کوکا، حقوقدان فضایی آرژانتینی و نماینده این کشور در سازمان ملل، در سال ۱۹۵۷ بیان کرد: «جامعه‌ی جهانی باید بر فضای ماورای جو اعمال حاکمیت نماید.» یک سال پس از آن، وی در نخستین سمینار دانشگاهی موسسه‌ی تازه تاسیس حقوق فضا، عقیده‌ی مذکور را با این پیشنهاد که ماه باید به‌وسیله‌ی جامعه‌ی بین‌المللی کشورها مورد استفاده قرار گیرد، توسعه داده و بیان داشت: «به این منظور لازم است که مقررات بهره‌برداری از کره‌ی ماه برای اهداف صلح‌آمیز تصویب شود.» (Wolter, 2006:87) چند ماه پس از آن، مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۵۸ قطعنامه‌ی «استفاده‌ی صلح‌آمیز از فضای ماورای جو» (قطعنامه شماره ۱۳۴۸) را تصویب نمود، که در آن فضای ماورای جو به‌عنوان میراث مشترک بشریت مورد شناسایی قرار گرفت.

اعتقاد عمومی بر این است که مفهوم میراث مشترک بشریت، تحت تاثیر دیدگاه‌های سوسیالیستی و کاپیتالیستی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ پایه

گذاری شده است؛ یعنی دورانی که کشورهای در حال توسعه به‌طور آشکار از اصل میراث مشترک بشریت به‌عنوان وسیله‌ای برای توزیع ثروت‌های جهانی از طریق ایجاد نظم نوین اقتصادی بین‌المللی، بهره‌جسته‌اند. نظم اقتصادی بین‌المللی که مبتنی بر عدالت، وابستگی متقابل، نفع مشترک و همکاری میان همه‌ی دولت‌ها و اصلاح نابرابری-های اقتصادی بوده است (جمالی، پیشین: ۷۱). در همین دوران، در ژوئن ۱۹۶۷ آلدو آرماندو کوکا (Aldo Armando Cocca) نظریه‌ی میراث مشترک بشریت را در مذاکرات کوپوس به‌طور اجمالی ارائه داد و چند ماه پس از آن بود که آروید پارادو در قالب طرحی مفصل و حساب شده آن را در خصوص اعماق دریاها فراتر از صلاحیت ملی، در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح نمود (Jakhu, Op.cit.:123). چند ماه پس از سپری شدن این موضوع، عناصر این اصل در معاهده‌ی فضای ماورای جو (۱۹۶۷) تشریح شد، بدون آن‌که به‌صراحت به این اصل اشاره شود. معاهده‌ی اخیر بیان می‌دارد که اکتشاف و بهره‌برداری از فضای ماورای جو شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی باید در جهت نفع همه کشورهای بوده و صرف‌نظر از سطح اقتصادی و توسعه‌ی علمی کشورها مورد انتفاع تمام بشریت باشد (United Nations Treaties and Principles on Outer Space, 2008:19). در سال ۱۹۷۰، دولت آرژانتین در ارتباط با بهره‌برداری آینده از منابع موجود در اجرام آسمانی، در کمیته فرعی حقوقی کوپوس، پیش‌نویس طرحی را برای معاهده‌ی ماه ارائه داد که در برگیرنده‌ی تمام اجرام آسمانی بود. در این طرح، پیشنهاد شده بود که اصل میراث مشترک بشریت بر وضعیت حقوقی ماه و تمام اجرام آسمانی حاکم باشد. اتحاد جماهیر شوروی سابق و بلغارستان، در آغاز آن را نپذیرفتند. در پی آن، آمریکا در سال ۱۹۷۲ پیشنهادی را مطرح نمود که به‌صراحت از اصل میراث مشترک بشریت حمایت نمود. در نهایت، متن مورد مصالحه‌ای که از طرف کشور اتریش ارائه شده و در بردارنده‌ی اعمال اصل میراث مشترک بشریت بود، پذیرفته شد و در ماده ۱۱ معاهده ماه تبلور یافت (Wolter, Op.cit.:89). پس از آن نیز در سال ۱۹۷۶ انجمن رم، گزارشی با عنوان «تغییر نظم بین‌المللی» منتشر نمود که در آن فضای ماورای جو به‌عنوان یک موجودیت جغرافیایی تشکیل‌دهنده‌ی میراث مشترک بشریت در نظر گرفته شد که همه ملت‌ها تضمین آن را خواستارند، و این که تنها

کشورهای توسعه یافته از راه مدیریت موثر از اکتشاف و بهره‌برداری آن سود نبرند، در آن مورد تاکید قرار گرفت (Jakhu, Op.cit.:123). در سال ۱۹۸۶ انجمن حقوق بین الملل در شصت و دومین کنفرانس خود «اعلامیه‌ی توسعه‌ی تدریجی اصول عمومی حقوق بین‌المللی در ارتباط با نظم نوین اقتصادی بین‌المللی» را تصویب نمود که بیان می‌داشت: «مفهوم میراث مشترک بشریت به‌عنوان یک اصل اساسی در مجموعه‌ی حقوق بین‌الملل عمومی وارد شده و دولت‌ها باید به این اصل در ارتباط با منابع فضای ماورای جو و اجرام آسمانی و منابع موجود در بستر دریاها و اقیانوس‌ها و زیر بستر آنها احترام بگذارند» (B.Dietrich, 2002:80).

در نهایت، میراث مشترک بشریت که زمانی تنها به‌صورت یک نظریه در تقریرات اندیشمندان بیان می‌شد و یا به شکل یک دغدغه از سوی نمایندگان کشورهای در حال توسعه در مجامع و کنفرانس‌های بین‌المللی مطرح بود، در سال ۱۹۷۹ در سند نهایی معاهده‌ی ماه، نمایان شد؛ در واقع، اگرچه این مفهوم در دوره‌ی گذار خود از نظریه‌ی صرف به یک هنجار حقوقی در حقوق بین‌الملل فضا (که تقریباً نیم قرن طول کشید)، با چالش‌ها و مخالفت‌های فراوانی از سوی برخی صاحب‌نظران حقوق فضا و نیز قدرت‌های فضایی مواجه بوده است، اما در پی تحولات اقتصادی جهان در اواخر قرن بیستم (مانند ظهور مفهوم نظم نوین اقتصادی بین‌المللی و نیز حمایت مکرر کشورهای در حال توسعه از این مفهوم)، توانست با تجلی یافتن در متن یک معاهده‌ی بین‌المللی جایگاه خود را در عرصه حقوق بین‌الملل فضا، بیش از پیش تثبیت نماید.

۲.۴. دیدگاه‌های مخالفان تسری مفهوم میراث مشترک بشریت به فضای

ماورای جو

در طول مذاکرات معاهده‌ی ماه در کمیته‌ی حقوقی استفاده صلح آمیز از فضای ماورای جو (کوپوس)، نمایندگان برخی از کشورها با استعمال اصطلاح میراث مشترک بشریت برای کره‌ی ماه موافق نبوده و این سوال را مطرح نمودند که «چه کسی فوت کرده و ماه را برای بشر باقی گذاشته است؟» اگر ماه، اجرام آسمانی و منابع موجود در

آن‌ها ارث مشترک هستند، همانند آنچه در حقوق مدنی گفته می‌شود: که مال، قابل انتقال از متوفی (و یا وصیت کننده) به جانشین وی است، در مورد ماه چه کسی باید به عنوان متوفی (وصیت کننده) دانسته شود؟ آیا اصلاً چنین شخصی وجود داشته است؟ مهمترین استدلال در مخالفت با مفهوم میراث مشترک بشریت آن است که این اصل، رویکرد کمونیستی داشته و نظریه‌ی کمونیسم در خصوص سرزمین با شکست مواجه شده است و دلیلی ندارد که آن را به فضای ماورای جو تسری دهیم. مخالفان در ادامه می‌افزایند: کشورهای که معاهده‌ی ماه را پذیرفته‌اند، اندیشه‌های ضد بازار و غیر پویای مندرج در آن را نادیده گرفته‌اند. گروه دیگری از نویسندگان معتقدند اعمال این اصل در فضای ماورای جو موجب تضعیف حقوق مالکیت که برای توسعه‌ی حقوق فضا ضروری است، خواهد شد؛ زیرا فقدان حمایت موثر از حقوق مالکیت خصوصی انگیزه‌ی سرمایه‌گذاران خصوصی را از بین خواهد برد (Ibid.:131). بسیاری از حقوقدانان معتقدند که میراث مشترک بشریت اساساً بازتابی از آمال سیاسی و تعهد اخلاقی می‌باشد؛ از این رو، بیانگر حقوق بین‌الملل بنیادی و ماهوی نیست. به‌عنوان مثال گود هو ایس (Goed hu is)-رییس سابق کمیته‌ی حقوق فضای انجمن حقوق بین‌الملل - ضمن رد نظریه‌ی فضای ماورای جو به‌عنوان میراث مشترک بشریت، بیان داشت: «تفسیری از این نوع، دولت‌ها را به تقسیم عواید و منافع ناشی از فعالیت‌های فضایی‌شان با هر یک از دولت‌های دیگر متعهد می‌کند.» از نظر وی پذیرش این مفهوم به معنای کاهش استقلال سیاسی - اقتصادی دولت‌ها و نیز تغییر اساسی در ساختار سیاسی جامعه جهانی است. علاوه بر این، او بیان می‌کند: «سیاره‌های دیگری در جهان وجود دارند که ممکن است در آن‌ها زندگی هوشمند وجود داشته باشد، چنین ادعایی توسط ساکنان زمین، مبنی بر حقوق مالکانه بر سراسر همه سیاره‌ها، حداقل می‌تواند به- عنوان نوعی گستاخی توصیف شود.» (Ervin, 1984:424) برخی از صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل مانند کولوسوف (Kolossof) بیان نموده‌اند که صرف‌نظر از این‌که به کارگیری مفاهیم حقوق مدنی از قبیل «میراث مشترک» در خصوص روابط میان دولت‌ها نادرست است، میراث مشترک بشریت، حاکمیت دولت‌ها را تهدید خواهد نمود؛ زیرا به اصلاح کامل حقوق بین‌الملل شامل مقررات پایه‌ای در ارتباط با حاکمیت ملی

که برای تضمین منافع مشروع و حیاتی هر دولت اساسی است، منجر خواهد شد (Billings, 2006:249).

در پاسخ به مخالفان می‌توان بیان داشت: نخست آنکه، میراث مورد بحث نتیجه‌ی یک مرگ نیست، بلکه از یک وصیت قدیمی ناشی می‌شود، جایی که خداوند انسان‌های اولیه را از نعمت‌های خود برخوردار می‌سازد تا زمین را پر کنند و آن را تحت کنترل خود درآورند (Jakhu, Op.cit:123). دوم آنکه، میراث مشترک بشریت، در فصل یازدهم کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲) نیز مطرح بوده است که از جمله علل مخالفت کشورهای توسعه‌یافته با آن، مغایرت با حمایت از مالکیت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بوده است، اما در نهایت با اصلاح مقررات این فصل به این مشکل پایان داده شد.^۱ در مورد معاهده‌ی ماه نیز اصلاح معاهده در مواد ۱۷ و ۱۸ پیش‌بینی شده است. سوم آنکه، اگرچه میراث مشترک بشریت هنوز به‌عنوان یک هنجار حقوقی الزام‌آور مورد پذیرش همه‌ی کشورها قرار نگرفته است، اما با لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون حقوق دریاها در سال ۱۹۹۴ که دربردارنده‌ی این مفهوم می‌باشد، به‌صورت یک اصل حقوقی بین‌المللی قراردادی ظاهر شده است؛ از این رو نمی‌توان آن را مقوله‌ای صرفاً سیاسی و یا اخلاقی دانست. دیگر آنکه، میراث مشترک بشریت، تنها حاکمیت قدرت‌های فضایی و برتری‌طلبی آنها در عرصه‌ی فضا را تهدید خواهد نمود و نه حاکمیت همه‌ی دولت‌های عضو جامعه جهانی را. در مجموع می‌توان گفت برای حفاظت از فضای ماورای جو در مقابل یک‌تازگی‌های قدرت‌های فضایی، سازو کارهایی لازم است که هیچ یک از اسناد حقوق بین‌الملل فضا که پیش از معاهده‌ی ماه به تصویب رسیده‌اند نتوانسته‌اند تمام جوانب آن را پیش‌بینی نمایند. ساختارهای حقوقی مندرج در اصل میراث مشترک بشریت، می‌تواند قواعد حفاظتی مورد تایید و تقویت شده‌ی جهانی را مقرر نموده و هنجارهای لازم را برای حفاظت از آن منابع در دراز مدت تامین نماید.

۳. عناصر تشکیل دهنده میراث مشترک بشریت در فضای ماورای جو

اگرچه مفهوم میراث مشترک بشریت، مبهم بوده و تاکنون تعریف دقیقی در مورد آن ارایه نشده است، اما در خصوص عناصر تشکیل دهنده آن، توافق گسترده‌ای وجود دارد. این عناصر که در همه‌ی مصادیق میراث مشترک بشریت وجود دارند، عبارتند از: غیرقابل تخصیص بودن، تقسیم منصفانه منافع، نفع بشریت، مدیریت بین-المللی و استفاده‌ی مسالمت آمیز که در ادامه به تبیین هر یک خواهیم پرداخت.

۳.۱. غیرقابل تخصیص بودن (Non-appropriation)

از جمله معانی عبارت تخصیص (Appropriation)، انتخاب و اختصاص دادن زمینی برای مقاصد خاص می‌باشد (آقایی، پیشین: ۸۸). اختصاص دادن چیزی به خود می‌تواند با ادعای مالکیت آن چیز همراه باشد و یا نباشد (تصرف چیزی، بدون ادعای مالکیت) در هر حال، اسناد حقوق بین‌الملل فضایی، هیچ یک از این دو را در مورد فضای ماورای جو و اجرام آسمانی نپذیرفته‌اند. شناخت دقیق مفهوم این اصل مستلزم بررسی مبانی، خاستگاه و نظام حقوقی حاکم بر آن است.

۳.۱.۱. مبانی پذیرش اصل و خاستگاه آن

۳.۱.۱.۱. مبانی پذیرش اصل: مبانی پذیرش اصل عدم تخصیص در فضای ماورای جو، در چند محور عمده خلاصه می‌شود. نخستین دلیل نپذیرفتن حاکمیت سرزمینی در فضای ماورای جو، جلوگیری از درگیری و نزاع می‌باشد. این موضوع در مقدمه‌ی معاهده‌ی ماه نیز مورد اشاره قرار گرفته است: «دولت‌های عضو معاهده خواستار آنند که ماه را از تبدیل شدن به یک منطقه نزاع بین‌المللی دور نگه دارند.» از این رو، کابوس مخاصمات بین‌المللی، عامل اولیه در ورود اصل عدم تخصیص، به نظام‌های معاهده‌ای بوده است؛ در واقع ادعاهای سرزمینی و ادعاهای متقابل آن‌ها و گسترش رقابت‌های دولتی به فضای ماورای جو، ناگزیر منجر به برخی از اشکال درگیری بین‌المللی خواهد شد. پیش‌بینی منع تخصیص ملی، در قطعنامه همکاری بین-المللی در خصوص کاربردهای مسالمت‌آمیز از فضای ماورای جو (۱۹۶۱) نیز بر همین

اساس بوده است. دلیل دیگر پذیرش این اصل، آن است که اقدامات فضایی آمریکا و شوروی سابق در بین سال‌های ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۹ به شدت سیاسی شده بود. در این زمان دو ابرقدرت، در حال رقابت برای حمایت از کشورهای تازه استقلال یافته‌ی آفریقایی و آسیایی بودند. در حالی که کشورهای تازه استقلال یافته، مخالف با امپریالیسم در همه‌ی اشکال آن بودند، هم شوروی سابق و هم آمریکا (به‌عنوان قدرت‌های فضایی اصلی) در صدد افزایش اعتبار و نفوذ سیاسی خود در این کشورها از طریق رد حاکمیت سرزمینی و آثار استعماری آن برآمدند. دیگر آنکه این اصل، تضمین‌کننده‌ی دسترسی آزاد به تمام مناطق فضایی برای همه‌ی کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و موسسات خصوصی خواهد بود (Jakhu, Op.cit.:60-61). در تایید این ادعا می‌توان از قطعنامه‌ی همکاری بین‌المللی در خصوص کاربردهای مسالمت‌آمیز از فضای ماورای جو (۱۹۶۱) بهره جست که آزاد بودن فضای ماورای جو و اجرام آسمانی برای کاوش و بهره‌برداری همه‌ی کشورها را در مقابل تخصیص ملی قرار داده است (بند ۱). در نهایت، می‌توان گفت یکی دیگر از ضرورت‌های پذیرش این اصل، در مشکلات ناشی از اعطای حق مالکیت نهفته است. از جمله‌ی این مشکلات می‌توان به تخریب اجرام آسمانی در پی اعمال حق مالکیت اشاره نمود. اگرچه فضای ماورای جو یکی از معدود گستره‌هایی است که نوع بشر موفق نشده به‌طور موثر آن را آلوده و تخریب نماید؛ اما نگاه به اسناد بین‌المللی، بیانگر آن است که جامعه‌ی جهانی همواره از تخریب و آلودگی محیط زیست فضا به دلایلی چون تاثیر منفی بر محیط زیست کره‌ی زمین، نگران بوده است. به‌عنوان مثال: «معاهده‌ی منع آزمایش‌های هسته‌ای در اتمسفر، ماورای جو و زیر آب‌ها» که در سال ۱۹۶۳ میان دولت‌های آمریکا، انگلستان و شوروی سابق منعقد شد، هر گونه آلودگی را در محیط فضای ماورای جو منع می‌نماید. این نگرانی در معاهده‌ی فضای ماورای جو (ماده ۹) و معاهده‌ی ماه (ماده ۷) نیز مشاهده می‌شود.

۳،۱،۱،۲. **خاستگاه اصل:** ادوارد هادگینس (Edward Hudgins)، معتقد است که الگوی معاهده‌ی ماه جایی که مالکیت خصوصی به‌صراحت منع می‌شود، قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سابق است. در واقع درحالی‌که اصل ۱۳ قانون

اساسی این کشور به شهروندان شوروی سابق مالکیت همه چیز را اجازه می‌داد، مالکیت زمین را برای آنان نمی‌پذیرفت. به موجب اصل ۱۱ قانون اساسی این کشور، زمین: شامل مواد معدنی، آب‌ها و جنگل‌ها بود که همگی اموال انحصاری دولت محسوب می‌شدند. با جمع اصول ۱۱ و ۱۳ قانون اساسی شوروی سابق می‌توان استنتاج نمود که همه‌ی سرزمین اتحاد جماهیر شوروی سابق و منابع موجود در آن، اموال مشترک مردم شوروی سابق بوده است؛ افراد در حالی که می‌توانستند مالک ابزارهای کشاورزی و یک خانه باشند و نیز حقوق استفاده‌کننده را بر زمینی که در اختیار آنها نهاده شده برای کشاورزی اعمال کنند، نمی‌توانستند مالک زمین شوند. معاهده‌ی ماه نیز تمام سرزمین و منابع موجود در ماه را به‌عنوان میراث مشترک بشریت می‌داند (بند ۱ ماده ۱۱)، در حالی که افراد ویا دولت‌ها می‌توانند مالک ایستگاه‌های قمری، وسایل و تجهیزات، امکانات و تاسیسات باشند (بند ۲ ماده ۱۲) و حقوق استفاده‌کننده را بر مناطق محدودی که برای نیازمندی‌های ایستگاه لازم است، اعمال نمایند (بند ۱ ماده ۹)، لیکن تخصیص و مالکیت گستره‌ی ماه به آنان اجازه داده نشده است. به عقیده‌ی این نویسنده، ماده ۱۱ معاهده‌ی ماه با بیانیه‌ی ژانویه ۱۸۴۸ حزب کمونیست ارتباط دارد که به‌موجب آن کارل مارکس و فردریش انگلس، برچیدن مالکیت زمین و اعمال اجاره زمین را با اهداف عمومی و نیز واگذار کردن زمین به طبقه کارگر با رسالت حذف همه تضمین‌های قبلی در مورد مالکیت فردی بیان نموده‌اند. این موضوع یعنی لغو مالکیت خصوصی، اساس نظریه‌ی کمونیسم است (Op.cit:126-127).

۳،۱،۲. انواع تخصیص با توجه به مدعی تخصیص

۳،۱،۲،۱. **تخصیص ملی (National Appropriation):** منع تخصیص ملی یا تخصیص توسط یک دولت در معاهده‌ی فضای ماورای جو (ماده ۲) و معاهده‌ی ماه (ماده ۱۱) به‌صراحت پیش‌بینی شده^۲ و امروزه همه دولت‌ها موافقت کرده‌اند که فضای ماورای جو و کرات آسمانی، تحت حاکمیت هیچ کشوری نیست و هیچ کشوری نمی‌تواند در این خصوص ادعایی داشته باشد. نخستین دولت‌هایی که به فضای ماورای جو دست یافته‌اند یعنی شوروی سابق و آمریکا اذعان داشته‌اند، فعالیت آنها در فضای ماورای جو

به هیچ وجه به منزله‌ی حاکمیت آنان بر این مناطق نیست (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۴۲۱). برخی از محققان گفته‌اند تصاحب‌کننده یک سرزمین بکر و یا بدون مالک به‌عنوان نماینده‌ی آن دولت در آن سرزمین نگر بسته می‌شود؛ از این رو، تخصیصی که توسط بخش خصوصی به تأیید دولت باشد باید یک نوع از تخصیص ملی محسوب شود. حتی یک دیدگاه افراطی معتقد است که نه تنها تأیید مثبت و فعال (Active Endorsement) بلکه حتی رفتار سلبی مقامات صلاحیت‌دار یک کشور، شکلی از تصاحب ملی می‌باشد. به‌عنوان مثال: ایالات متحده آمریکا با عدم واکنش در مقابل شهروندانش که اقدام به عرضه زمین‌های کره‌ی ماه برای فروش کرده و مرتکب کلاهبرداری شدند، در عمل ناقض قواعد مربوط به معاهده‌ی فضای ماورای جو و معاهده‌ی ماه محسوب می‌شود (Jakhu, Op.cit.:63-64).

۳، ۱، ۲، ۲. تخصیص بین‌المللی (International Appropriation): در حالی که ماده ۲ معاهده‌ی فضای ماورای جو و بند ۳ «اعلامیه‌ی اصول حقوقی حاکم بر فعالیت دولت‌ها در اکتشاف و بهره‌برداری از فضای ماورای جو» (۱۹۶۳) همانند بند ۲ ماده ۱۱ معاهده‌ی ماه بیان می‌کنند که قلمرو فضایی نمی‌تواند موضوع تخصیص ملی باشد، هیچ اشاره‌ای به تخصیص بین‌المللی این مناطق نمی‌نمایند. در سال ۱۹۵۹ کمیته فرعی حقوقی کوپوس بیان نمود که «برخی اشکال سرپرستی بین‌المللی بر اجرام آسمانی باید پذیرفته شود.» مقررات بین‌المللی حقوق فضا، در خصوص امکان تخصیص بین‌المللی، مبهم و بحث‌برانگیز هستند. در قسمتی از بند ۳ ماده ۱۱ معاهده‌ی ماه آمده است که ماه و منابع طبیعی آن نمی‌توانند به مالکیت هیچ سازمان بین‌المللی دولتی درآیند. با این وجود، به زعم برخی، ممنوعیت مذکور ممکن است با توجه به نظام بین‌المللی پیش-بینی شده در بندهای ۴ و ۵ همین ماده، نادیده گرفته شود و در نتیجه، سرزمین‌های موجود در فضای ماورای جو با اقدام سازمان ملل متحد از طرف کل جامعه جهانی، مورد تصاحب و تخصیص قرار گیرند. در قسمت پایانی بند ۴ آمده است: «این مقررات به نظام بین‌المللی مذکور در بند ۵ این ماده خللی وارد نمی‌کند.» بند ۵ بیان می‌دارد: «کشورهای طرف موافقتنامه‌ی حاضر متعهد می‌شوند که از آنجا که بهره‌برداری از

منابع طبیعی ماه در آینده‌ای نزدیک ممکن خواهد شد، یک نظام بین‌المللی با آیین مناسب ایجاد نمایند تا بر این استخراج مدیریت داشته باشد». البته تاکنون چنین نظامی نه توسط سازمان ملل و نه توسط سازمان بین‌المللی دیگری ایجاد نشده تا به‌طور رسمی بر ماه اعمال حاکمیت نماید. اگرچه در سال ۱۹۹۷ کوفی عنان - دبیرکل وقت سازمان ملل - در طرح خود برای تغییر ساختار شورای قیمومت بیان کرد که «ماموریت تاریخی سازمان ملل، انتقال میراث مادی و فرهنگی به نسل‌های آینده است که ما در حال حاضر آن را به‌طور امانت در اختیار داریم» (Ibid.:71-72)؛ اما در حال حاضر پذیرش حاکمیت سازمان ملل متحد در فضای ماورای جو و به تبع آن تخصیص بین‌المللی توسط این سازمان، فاقد وجهه‌ی قانونی بوده و فراتر از اختیاراتی است که به موجب منشور ملل متحد به آن اعطا شده است.

۳،۱،۲،۳. تخصیص اشخاص حقیقی و شرکت‌های خصوصی: در این خصوص که آیا معاهده‌ی فضای ماورای جو تنها حق حاکمیت ملی را در ادعای مالکیت نسبت به بخش‌هایی از اجرام آسمانی محدود، یا امکان کسب حقوق مالکانه اشخاص (حقیقی و حقوقی) را نیز سلب می‌نماید، اختلاف نظر وجود دارد. شمار اندکی از نویسندگان معتقدند که معاهده‌ی فضای ماورای جو، تنها تخصیص ملی فضای ماورای جو و اجرام سماوی را ممنوع می‌کند؛ از این رو، تخصیص توسط موجودیت‌های دیگر از جمله اشخاص و موسسات خصوصی منع نشده است؛ اما بیشتر نویسندگان بر این باورند که معاهده‌ی فضای ماورای جو، مالکیت اشخاص و موسسات خصوصی را نیز به‌طور ضمنی نفی می‌کند. تفاسیر تاریخی، نظر اخیر را تایید می‌کنند؛ زیرا پیش از مذاکرات معاهده‌ی فضای ماورای جو، بسیاری از نهادهای حقوقی تصاحب خصوصی قلمروهای فضایی را عملی ناپسند دانسته‌اند؛ به‌عنوان مثال: موسسه‌ی حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۶۳ بیان نمود: «فضای ماورای جو و اجرام آسمانی، موضوع هیچ نوع از تخصیص نیستند». علاوه بر این‌ها، مذاکرات معاهده‌ی فضای ماورای جو ممنوعیت ضمنی تخصیص خصوصی را نشان می‌دهد. نماینده‌ی فرانسه در سخنان خود در پایان مذاکرات مورخ ۴ آگوست ۱۹۶۶ بیان داشت: «باید از تایید سه اصل اساسی در این

معاهده خشنود باشیم، یعنی ممنوعیت هر نوع ادعای حاکمیت یا حقوق مالکیت در فضا و ...» (Ibid.:63-64)

۳,۲. تقسیم منصفانه منافع میان کشورها

این موضوع به‌طور صریح در معاهده‌ی ماه و به‌صورت ضمنی در معاهده‌ی فضای ماورای جو (ماده ۱) و مقدمه‌ی اعلامیه‌ی اصول ۱۹۶۳ مورد اشاره واقع شده است. بند ۵ ماده ۱۱ اشعار می‌دارد: «کشورهای طرف موافقتنامه ی حاضر، متعهد می‌شوند از آن‌جا که بهره‌برداری از منابع طبیعی ماه در آینده‌ای نزدیک امکان‌پذیر است، یک نظام بین-المللی با آیین مناسب ایجاد نمایند تا بر این استخراج مدیریت داشته باشد.» این ماده در ادامه یکی از اهداف این نظام را عبارت می‌داند از: «تقسیم منصفانه منافع حاصل از آن منابع توسط کشورهای طرف معاهده، به‌نحوی که به منافع و نیازهای کشورهای در حال توسعه، همچنین به تلاش آن دسته کشورهایی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در کاوش ماه کمک کرده‌اند، توجه ویژه‌ای شود.» (قسمت پایانی بند ۷)

۳,۲,۱. مفهوم تقسیم منصفانه: «تقسیم منصفانه» بدان معنی است که چنانچه زمانی منابع طبیعی موجود در فضای ماورای جو و کره‌ی ماه مورد بهره‌برداری قرارگیرد، منافع اقتصادی ناشی از آن باید به‌طور منصفانه میان کشورها تقسیم شود. با تحلیل قسمت اخیر بند ۷ معاهده‌ی ماه می‌توان گفت که مفهوم میراث مشترک بشریت به‌موجب اصل انصاف (منصفانه بودن) محدود می‌شود؛ توضیح آن‌که منافع خود به خود به سمت کشورهای غیرفعال جریان پیدا نمی‌کند. دولت‌هایی که در فعالیت‌های فضایی مشارکت و همکاری نمی‌کنند، نمی‌توانند از تلاش‌ها و فعالیت‌های دولت‌های مشارکت‌کننده بهره‌مند شوند. تقسیم منصفانه دربردارنده‌ی این معنی است که سرمایه‌گذاری دولت‌ها در برنامه‌های فضایی در تعیین سهم منافع فضایی آن دولت‌ها باید لحاظ شده و مورد توجه قرار گیرد؛ در عوض، باید امکان مشارکت برای همه‌ی دولت‌ها بدون تبعیض فراهم شود و هیچ دولتی خواستار مشارکت در برنامه‌های فضایی از این مشارکت منع نشود. دولت‌های با توانایی‌های فضایی نیز به تقسیم فن‌آوری با

دولت‌های دیگر متعهد هستند (Ervin, Op.cit.:429). از این رو، ضرورت تقسیم منصفانه دارای دو بعد است: از یک سو، مفهوم میراث مشترک بشریت را به نفع دولت‌هایی که برنامه‌های فضایی و تلاش‌های گسترده در زمینه‌ی فضا دارند محدود نموده و از طرف دیگر، فرصت‌های سهم بردن در منافع فضای ماورای جو را برای کشورهای در حال توسعه حفظ می‌کند.

۳،۲،۲. مبانی نظری تقسیم منصفانه: تقسیم منصفانه به تعبیر بیان شده در معاهده‌ی ماه، یادآور قاعده‌ی رومی «*Jus Fruendi*» به معنای «تقسیم منصفانه‌ی مال متعلق به همه بدون اضرار به دیگران» می‌باشد. استفاده از مال همگانی بدون اضرار به دیگران در برگیرنده‌ی حق برخوردارگی از درآمد حاصله از یک دارایی عمومی است. به موجب نظام حاکم بر معاهده‌ی ماه، در منابع استخراجی از کره‌ی ماه مالکیت خصوصی بوجود می‌آید؛ اما مالک نمی‌تواند تمام منافع آن را به نفع خود بهره برداری نماید. یعنی به موجب نظام میراث مشترک بشریت، معدنچی یا بهره‌بردار از منابع ماه، آنچه را که از ماه استخراج نموده است باید با تمام انسان‌های دیگر تقسیم کند (Jakhu, Op.cit.:127-128). به نظر می‌رسد اصول معاهده‌ی ماه در خصوص تقسیم منصفانه، بیانگر دیدگاه‌های سوسیالیستی و کمونیستی است؛ یعنی تقسیم منافع قمری از هر نوع باید متناسب با شایستگی، کار و نیاز باشد. قوانین سال ۱۹۱۸ اتحاد جماهیر شوروی سابق، هر شهروند را به کار کردن متعهد می‌نمود و به‌عنوان شعار بیان می‌داشت: «کسی که کار نمی‌کند، نباید غذا بخورد.» مقوله‌ی تقسیم منصفانه به شکلی که در معاهده‌ی ماه به نفع کشورهای مشارکت‌کننده در فعالیت‌های فضایی بیان شده، برگرفته از نظریه‌ی شوروی سوسیالیستی می‌باشد. زیرا بند ۷ ماده ۱۱ معاهده‌ی ماه به مشارکت و تلاش کشورهای فضایی حضور فعالانه دارند در برخوردارگی از منابع، توجه نشان داده است. با این تفاوت که برخلاف نظریه‌ی سوسیالیستی که به موجب آن همه‌ی افراد ملزم به کار کردن هستند، کشورها ملزم به انجام فعالیت‌های فضایی نیستند. هیچ یک از مجموعه معاهدات مربوط به فضا، هیچ دولتی را متعهد به کاوش و بهره برداری از ماه نمی‌کند (Ibid.:127-128). به‌عنوان مثال: ماده ۱ معاهده‌ی

فضای ماورای جو از دولت‌ها می‌خواهد همکاری‌های بین‌المللی را در تحقیق علمی در قلمرو فضایی تسهیل و تشویق کنند. بند ۲ ماده ۴ معاهده‌ی ماه نیز بیان می‌دارد: «همکاری بین‌المللی در راستای این معاهده باید تا حد امکان گسترده و مبتنی بر یک پایه‌ی چند جانبه و یا دو جانبه و یا از طریق سازمان‌های بین‌المللی دولتی باشد».

۳,۳. نفع بشریت

دانستن مفهوم، پیشینه و ابعاد نفع بشریت که در بیشتر اسناد حقوق فضا مورد اشاره واقع شده است، به روشن شدن زوایای این عنصر میراث مشترک بشریت کمک خواهد نمود.

۳,۳,۱. مفهوم نفع بشریت :

ماهیت حقوقی الزام‌آور این مفهوم کلیدی، صرف‌نظر از اهمیت سیاسی آن، یکی از موضوعات صریح مذاکرات معاهده‌ی فضای ماورای جو بوده و در طول مذاکرات پیش‌نویس این معاهده، نماینده‌ی انگلیس در کمیته‌ی فرعی حقوقی کوپوس اعلام نمود: «کمیته قصد دارد یک تعهد حقوقی الزام‌آور برای استفاده از فضای ماورای جو در راستا و به نفع بشریت ایجاد کند». اصول مندرج در معاهده‌ی فضای ماورای جو و معاهده‌ی ماه شامل: استفاده‌ی صلح‌آمیز، تعهد به ترویج صلح در جهان و امنیت بین‌المللی، اصل همکاری، توجه به منافع سایر کشورها، اصل حمایت از محیط زیست فضای ماورای جو و اصل توزیع عادلانه منافع اقتصادی، همگی به سمت تحقق بخشیدن نفع بشریت گرایش دارند. این اصول به‌طور متقابل یکدیگر را تقویت نموده و تشکیل دهنده‌ی محتوای حقوقی واقعی عبارت بشریت هستند. انجمن حقوق بین‌الملل در مصوبه‌ی پایانی پنجاه و چهارمین کنفرانس خود چنین بیان نمود: «در حالی که معاهده‌ی فضای ماورای جو، دولت‌ها را متعهد نمی‌کند تا فعالیت‌هایشان را منحصرأ به نفع همه‌ی کشورها انجام دهند؛ عبارت بشریت این امکان را فراهم می‌سازد که نفع عمومی به‌عنوان یک عامل محدودکننده‌ی آزادی دولت‌ها در فضا، علیرغم فقدان راهکار مشخص، در کنار تعقیب منافع ملی مورد توجه قرار گیرد.» (Wolter, Op.cit.:95)

۳,۳,۲. ابعاد نفع بشریت :

به موجب اسناد حقوق بین‌الملل فضایی، کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو باید با اهداف مسالمت آمیز و در راستای نفع بشریت باشد. با استنباط از اسناد مذکور به نظر می‌رسد بهره‌مندی بشریت از منافع و دستاوردهای فعالیت‌های فضایی دارای سه بعد است: نخست، در خصوص منافع اقتصادی حاصل از اکتشاف و بهره‌برداری منابع موجود در فضای ماورای جو که با موضوع تقسیم منصفانه منافع میان کشورهای ارتباط دارد، دولت‌ها به نمایندگی از ملت‌های خود عمل می‌نمایند. دوم آن‌که، فعالیت‌های فضایی نباید به محیط زیست منطقه آسیب برساند؛ از این رو، هر اقدامی که موجب آلودگی محیط زیست فضا شود مانند به‌جای گذاشتن زباله‌های فضایی که تاثیرات زیانباری بر آب و هوای زمین دارد، ناقض نفع بشریت محسوب می‌شود. موضوع آلودگی زیست محیطی فضا در معاهده‌ی فضای ماورای جو (ماده ۹) و معاهده‌ی ماه (مواد ۵ و ۷) پیش‌بینی شده است. ماده ۵ معاهده‌ی ماه بیان می‌دارد که کشورهای طرف معاهده در انجام فعالیت‌های فضایی خود، باید بی‌درنگ دبیرکل، افکار عمومی و جامعه‌ی علمی بین‌المللی را از وجود هرگونه پدیده خطرناک برای زیست و سلامت بشر در فضای ماورای جو، آگاه سازند (بند ۳). و در نهایت، در مورد بعد سوم نفع بشریت می‌توان گفت، نتایج تحقیقات علمی در فضای ماورای جو باید در دسترس و به نفع همه بشریت باشد. علاوه بر این موضوع که آزادی تحقیقات علمی به‌عنوان یکی از ابعاد اصل آزادی فضای ماورای جو مورد تایید اسناد بین‌المللی قرار گرفته است، معاهده‌ی فضای ماورای جو (ماده ۱۱) و معاهده‌ی ماه (بند ۱ ماده ۵) با عباراتی مشابه بیان می‌دارند که کشورهای طرف معاهده باید نتیجه فعالیت‌هایی را که در فضای ماورای جو، انجام می‌دهند، به اطلاع دبیرکل سازمان ملل، جامعه‌ی علمی جهانی و افکار عمومی برسانند. معاهده‌ی فضای ماورای جو، دبیرکل سازمان ملل را مکلف به انتشار فوری و موثر این اطلاعات دانسته است. همچنین معاهده‌ی ماه در ماده ۷ اشعار می‌دارد که کشورهای طرف معاهده در خصوص مناطقی از ماه که فایده‌ی علمی

خاصی دارند باید به دیگر کشورهای طرف معاهده و دبیرکل سازمان ملل گزارش دهند (بند ۳).

۳,۴. مدیریت بین‌المللی فضای ماورای جو

مدیریت موثر فضای ماورای جو، به‌عنوان یک منبع عظیم، منوط به ایجاد یک نهاد بین‌المللی است که تاکنون ایجاد نشده است. ایجاد یک نظام بین‌المللی به طوری که این محیط را در خدمت دراز مدت بشریت قرار دهد، توسعه پایدار فضای ماورای جو و تحقق عملی مفهوم میراث مشترک بشریت را به همراه خواهد داشت.

۳,۴,۱. مفهوم مدیریت بین‌المللی فضای ماورای جو: مدیریت بین‌المللی فضای

ماورای جو به معنی مشارکت همه‌ی دولت‌ها به نمایندگی از مردمان خود در اداره این محیط است. البته برای اعمال موثر چنین مدیریتی، ایجاد یک سازمان بین‌المللی آن‌چنان که در معاهده‌ی ماه (ماده ۱۱) پیش‌بینی شده است، ضروری خواهد بود. معاهده‌ی ماه در ماده ۱۱ خود بیان می‌دارد: «کشورهای طرف موافقتنامه متعهد می‌شوند از آن‌جا که بهره‌برداری از منابع طبیعی ماه در آستانه تحقق است یک نظام بین‌المللی، با آیین مناسب ایجاد نمایند تا بر این استخراج مدیریت داشته باشد» (بند ۶). این ماده، در ادامه اهداف این نظام بین‌المللی را چنین برشمرده: «۱-۱- توسعه منظم و ایمن منابع طبیعی ماه؛ ۱-۲- مدیریت عقلانی آن منابع؛ ۱-۳- توسعه و افزایش فرصت‌ها در بهره‌برداری از منابع؛ و ۱-۴- تقسیم منصفانه منافع حاصل از منابع» (بند ۷). با توجه به این‌که تاکنون چنین نظامی به‌وجود نیامده است، مفهوم مدیریت بین‌المللی در چارچوب همکاری میان کشورها نمود خواهد یافت. همکاری بین‌المللی در فضای ماورای جو از جمله در زمینه‌های فنی و حقوقی کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو، موضوعی است که اسناد حقوق بین‌الملل فضایی توجه زیادی به آن نشان داده‌اند. انجمن حقوق بین‌الملل تاکید کرده است که همکاری بین‌المللی در فضا صرفاً یک آرمان و عقیده نیست، بلکه یک تعهد حقوقی با ماهیت عمومی می‌باشد (Ibid.:92).

۳,۴,۲. مبنای پذیرش مدیریت بین‌المللی فضای ماورای جو: در سازمان ملل

متحد، نخستین منبع الهام بخش ایجاد یک سازمان فضایی جهانی (World Space

Organization) مبارزه علیه نظامی ساختن فضای ماورای جو بوده است که در سال ۱۹۸۵ مطرح شد. امروزه این منبع الهام بخش، همچنان اعتبار دارد و اساس هر مفهوم همکاری بین‌المللی را در مدیریت فضای ماورای جو به‌عنوان یک میراث جهانی تشکیل می‌دهد؛ زیرا وجود صلح و امنیت، زمینه‌ی مناسبی را فراهم می‌کند تا در آن، بذر مفهوم میراث مشترک بشریت پرورش یافته و رشد نماید. مفاهیم اساسی برای نظام مدیریت هدفمند در فضای ماورای جو، یعنی خلع سلاح و توسعه که به موجب نظریه-ی میراث مشترک بشریت و مفهوم امنیت گسترده، تحت الشعاع قرار گرفته و پیشتر نیز در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح شده‌اند، هم‌اکنون نیز قابلیت آن را دارند تا زمینه-ساز ایجاد یک سازمان فضایی جهانی باشند (Bautista P., 1994:230). در قرن حاضر، وابستگی متقابل دولت‌ها در فعالیت‌های فضایی و رشد همگرایی منفعت آنان بیش از هر زمانی است. امروزه دولت‌ها دریافته‌اند که از یک سو، اگر موضوع حاکمیت مستقل به نفع همکاری متقابل کاهش یابد، می‌توانند منافع بی‌شماری را از فضای ماورای جو بدست آورند. از طرف دیگر، نظام سنتی همزیستی ممکن است با پیدایش یک نظام-بین‌المللی همکاری تکمیل شود. اصل میراث مشترک دلالت می‌کند که بشر به تدریج در حال حرکت به سمت این هدف است. امروزه ادله‌ای وجود دارد که دو قدرت فضایی اصلی نیز تا حدی، نظم جدیدی را برای فضای ماورای جو پذیرفته‌اند (Ervin, Op.cit.:426).

۳،۴،۳. سازمان ملل متحد و مدیریت بین‌المللی فضای ماورای جو: نظریه‌ی ایجاد یک نظام اقتصادی حاکم بر فضای ماورای جو که به‌موجب آن منابع این منطقه تحت نظارت و مالکیت تمام ملل بوده و توسط هیاتی متعلق به سازمان ملل اداره شود، نخستین بار در سال ۱۹۹۸ توسط مایکل هامیلتون (Michele Hamilton) مطرح شد (Jakhu, Op.cit.:123). مجمع عمومی در اعلامیه‌ی همکاری بین‌المللی درخصوص کاربردهای مسالمت آمیز از فضای ماورای جو (۱۹۶۱) بیان می‌دارد که سازمان ملل متحد می‌بایستی مرکز ثقل همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌ی اکتشافات و استفاده‌های صلح جویانه از فضای ماورای جو شود. به‌طورکلی، اقدامات سازمان ملل در راستای

تحقق اصل مدیریت بین‌المللی را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: نخست، توسعه و گسترش همکاری‌های بین‌المللی از طریق صدور اعلامیه‌ها و گنجاندن این موضوع در پیش‌نویس معاهدات حقوق بین‌الملل فضا، به طوری که موضوع همکاری‌های بین‌المللی در فعالیت‌های فضایی تقریباً در تمامی اسناد مذکور پیش‌بینی شده است. سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۶ اعلامیه‌ای راجع به همکاری بین‌المللی در حوزه‌ی کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو صادر نمود که به طور مشخص به این موضوع می‌پردازد. علاوه بر این، در معاهده‌ی فضای ماورای جو (ماده ۳)، معاهده‌ی ماه (ماده ۲) و نیز اعلامیه‌ی مذکور تاکید شده که این همکاری‌ها باید بر طبق مقررات حقوق بین‌الملل، از جمله منشور ملل متحد باشد. اقدام دیگر سازمان ملل در این راستا، فراهم‌سازی زمینه‌ی مدیریت بین‌المللی از راه مشارکت کشورها در وضع قوانین حقوق بین‌الملل فضایی می‌باشد. این اقدام که توسط «کمیته سازمان ملل در خصوص استفاده صلح‌آمیز از فضای جو» انجام می‌شود به کشورها فرصت می‌دهد تا برای مدیریت بر فضای ماورای جو، در ترسیم نظام حقوقی حاکم بر آن مشارکت نمایند.

۳.۵. بهره‌برداری با اهداف صلح‌آمیز

کاوش و استفاده از فضای ماورای جو برای اهداف مسالمت‌آمیز، جنبه‌ی زیربنایی داشته و میراث مشترک بشریت در سایه‌ی صلح و امنیت می‌تواند عینیت یابد. شناخت کامل این عنصر مستلزم بررسی مفهوم و پیشینه‌ی آن است.

۳.۵.۱. مفهوم بهره‌برداری با اهداف صلح‌آمیز: در مورد عبارت «اهداف صلح‌آمیز» دو تفسیر وجود دارد: حقوقدانان غربی معتقدند که منظور از اهداف صلح‌آمیز، اهداف غیرتجاوزکارانه (Non-Aggressive) است؛ زیرا هم آمریکا و هم شوروی سابق از همان ابتدا در فضا حضور نظامی داشته‌اند؛ از این رو، بیان این‌که صلح‌آمیز به معنای غیرنظامی است به معنای نادیده گرفتن واقعیات است. دیگر آن‌که در طول جنگ سرد، اتحاد جماهیر شوروی سابق و آمریکا از ماهواره‌های شناسایی و اکتشاف، برای پی‌بردن فعالیت‌ها و پایگاه‌های نظامی به منظور سنجیدن میزان قدرت نظامی یکدیگر استفاده

می‌نموده‌اند (Gabrynowicz & Etil Serrao, Op.cit.:230). برخی از نویسندگان نیز بیان نمودند که این دیدگاه در هماهنگی با این مفهوم است که ارتباط و پیوستگی نزدیکی میان صلح و تجاوز، با توجه به ارتباط میان رفتار صلح‌آمیز و رفتار قهری وجود دارد. مقارن با تصویب معاهده‌ی فضای ماورای جو، نظریه‌ی غالب این بود که تنها رفتار تجاوزکارانه، استفاده‌ی صلح‌آمیز را نقض می‌کند (B.Dietrich, Op.cit.:11)؛ اما برخی از صاحب‌نظران شرقی، بر این باورند که منظور از اهداف صلح‌آمیز، اهداف غیرنظامی (Non-Military) است؛ به دلیل آن‌که این عبارت، عیناً در معاهده‌ی قطب جنوب یا اساسنامه‌ی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، برای خلع سلاح کامل به‌کار رفته است (Gabrynowicz & Etil Serrao, Op.cit.:230). مفهوم عبارت «صلح‌آمیز»، همچنان محل نزاع است؛ اگرچه معنای «استفاده‌ی غیرتجاوزکارانه» به واقعیت نزدیک‌تر است؛ با این حال، به‌کارگیری معنای «استفاده‌ی غیرنظامی» به نحو موثرتری خواهد توانست، تحقق میراث مشترک بشریت در فضای ماورای جو را تضمین نماید. در حال حاضر استفاده‌ی صلح‌آمیز از فضای ماورای جو، اگرچه تعهداتی را بر کشورها تحمیل می‌کند، اما بیانگر ممنوعیتی مطلق برای کلیه‌ی فعالیت‌های نظامی در فضای ماورای جو نیست. مثلاً بر طبق ماده ۴ معاهده‌ی فضای ماورای جو، کشورها از قرار دادن هر نوع شیء حامل سلاح‌های هسته‌ای، کشتار جمعی و نصب چنین سلاح‌هایی بر روی اجرام آسمانی، یا قرار دادن این‌گونه سلاح‌ها در فضای خارج از جو و مدار اطراف زمین منع شده‌اند. معاهده‌ی مذکور، هیچ‌گونه سلاح دیگری را به غیر از موارد مذکور مورد اشاره قرار نمی‌دهد. در نتیجه در این معاهده، استقرار موشک‌ها و راکت‌های بالستیک ممنوع نشده‌اند. (B.Dietrich, Op.cit.:11) همچنین در خصوص اعمال این اصل در معاهده‌ی فضای ماورای جو، میان فضای ماورای جو به‌طور اخص و دیگر کرات آسمانی (مانند کره‌ی ماه) تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. بدین نحو که عهدنامه‌ی مذکور ایجاد استحکامات، تاسیسات نظامی، آزمایش‌های سلاح‌های مختلف و اجرای هرگونه عملیات نظامی را در کرات آسمانی منع کرده است، اما در مورد فضای ماورای جو به معنای اخص کلمه، الزام به بهره‌برداری مسالمت‌آمیز با توجه به مفاد این معاهده هنوز قطعی و کامل نیست؛ زیرا قرار دادن سفینه‌های حامل سلاح‌های هسته‌ای یا دیگر

سلاح‌هایی که قدرت تخریبی عظیم دارند، منع شده اما در مورد سلاح‌های دیگر مانند سلاح‌های کلاسیک چیزی گفته نشده است. (ضیایی بیگدلی، پیشین: ۴۲۴) شاید به دلیل همین عدم ممنوعیت مطلق استفاده‌ی غیرصلح آمیز از فضای ماورای جو بوده است که «اوتانت»- دبیرکل وقت سازمان ملل - از عبارت پردازی نهایی ماده ۴ ابراز ناخرسندی نموده و پس از تایید پیش‌نویس معاهده‌ی فضای ماورای جو به‌وسیله‌ی مجمع عمومی، بدون مسدود نمودن دریچه‌ی فعالیت‌های نظامی در فضا، اظهار تاسف نمود (S.Vereshchetin, 1984:92).

۳,۵,۲. پیشینه‌ی شکل‌گیری مفهوم بهره‌برداری با اهداف صلح‌آمیز: صرف‌نظر از آن‌که اصل عدم تهدید یا استفاده از زور در روابط بین‌المللی به‌عنوان یکی از اصول قدیمی حقوق بین‌الملل خودبه‌خود به فضای ماورای جو نیز قابل تسری است، از همان آغاز شکل‌گیری نظام حقوقی فضا، ضرورت غیرنظامی کردن این محیط، همواره مورد توجه بوده است. قطعنامه‌های متعدد مجمع عمومی سازمان ملل از سال ۱۹۵۷ که اولین قمر مصنوعی به فضا فرستاده شد، بهره‌برداری مسالمت آمیز را مورد تاکید قرار داده‌اند. در دسامبر سال ۱۹۵۸ مجمع عمومی، قطعنامه‌ی «استفاده‌ی صلح آمیز از فضای ماورای جو» را تصویب نمود که در آن بر حفظ صلح جهانی در اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو تاکید شده و از دولت‌ها خواسته شد تا کلیه اقداماتشان در فضای ماورای جو بر اساس موازین بین‌المللی و منشور ملل متحد صورت گیرد. در سال ۱۹۵۹ مجمع عمومی، قطعنامه شماره ۱۴۲۷ را صادر نمود که مجدداً اصل غیرنظامی کردن فضا در آن مورد تاکید قرار گرفته و به‌موجب آن کوپوس ایجاد شد. پس از آن، معاهده‌ی منع آزمایش‌های هسته‌ای در اتمسفر، ماورای جو و زیر آب‌ها (۱۹۶۳) که میان آمریکا، شوروی سابق و انگلیس منعقد شده بود و بیش از ۱۲۰ دولت نیز بدان ملحق شده بودند، کشورهای طرف معاهده را از انجام هرگونه انفجار هسته‌ای از جمله انفجارهای آزمایشی منع نمود. از آن زمان تاکنون این مفهوم تقریباً در تمامی معاهدات و اعلامیه‌های مرتبط با حقوق فضا (از جمله اعلامیه سال ۱۹۹۶) با عنوان «کاوش و بهره‌برداری

از فضای ماورای جو با اهداف صلح آمیز» و یا «مطابق حقوق بین‌الملل از جمله منشور ملل متحد» (ماده ۳ معاهده‌ی فضای ماورای جو و ماده ۲ معاهده‌ی ماه) مشاهده می‌شود.

۴. نتیجه

فضای ماورای جو به‌عنوان یکی از مصادیق میراث مشترک بشریت، در نیم قرن اخیر، از سوی جامعه بین‌المللی مورد توجه فراوانی قرار گرفته است. از یک سو کشورهای در حال توسعه با توصیف آن به‌عنوان میراث مشترک بشریت و سعی در نظام‌مندسازی آن در قالب یک هنجار حقوقی، همواره درصدد بوده‌اند مبنایی ایجاد نمایند تا با دستاویز به آن به فضای ماورای جو دست یابند. از طرف دیگر کشورهای توسعه‌یافته که بازیگران اصلی کره‌ی زمین در فضای ماورای جو هستند، همواره از ورود این کشورها به فضای ماورای جو بیم داشته و نظریه‌ی میراث مشترک بشریت را به‌عنوان یک هنجار الزام‌آور حقوق بین‌الملل نپذیرفته‌اند. از این رو، نظریه‌ی میراث مشترک بشریت که پرداختن بدان در چارچوب فضای ماورای جو، شکاف عمیق میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته را نشان می‌دهد، همواره محل برخورد عقاید این دو دسته از کشورها بوده است. کشورهای در حال توسعه که در پیدایش این مفهوم، نقش اساسی داشته‌اند، اغلب به مفهوم میراث مشترک بشریت به‌عنوان یک ابزار محافظت‌کننده از منابع حیاتی متعلق به همه بشریت، که به‌وسیله‌ی کشورهای توسعه‌یافته و شرکت‌هایشان بهره‌برداری می‌شوند، نگریسته‌اند. این نظریه که در حوالی دهه‌ی ۱۹۷۰ تحت تاثیر دیدگاه‌های سوسیالیستی و کاپیتالیستی، توسط کشورهای در حال توسعه به‌عنوان وسیله‌ای برای توزیع ثروت‌های جهانی از طریق ایجاد نظم نوین اقتصادی بین‌المللی مطرح شد، زمینه‌ی مشارکت مستقیم کشورهای در حال توسعه که فاقد فن‌آوری یا امکانات مالی لازم هستند را در بهره‌برداری و مدیریت بین‌المللی این منابع فراهم می‌نماید. به زعم بیشتر محققان، این نظریه، در بردارنده‌ی پنج عنصر عدم تخصیص یا منع تصرف و تملک، تقسیم منصفانه‌ی منافع با توجه به نیازهای کشورهای

در حال توسعه و نیز تلاش‌های کشورهای توسعه‌یافته، نفع بشریت در بهره‌برداری اقتصادی، تحقیقات علمی و حفاظت از محیط زیست و همچنین مدیریت بین‌المللی به معنای مشارکت همه‌ی دولت‌ها به نمایندگی از مردمان خود در اداره‌ی این محیط و در نهایت استفاده‌ی صلح‌آمیز در معنای استفاده‌ی غیرنظامی (در مقابل استفاده‌ی غیرتجاوزکارانه) می‌باشد. اعمال نظریه‌ی میراث مشترک بشریت در فضای ماورای جو، کره‌ی ماه و سایر اجسام آسمانی همواره با مشکلاتی مواجه بوده است. مبهم بودن مفهوم نظریه‌ی میراث مشترک و ابهام و عدم تعریف مقوله‌های مرتبط با آن، مانند «فضای ماورای جو» که محدوده‌ی اعمال این نظریه را در فضای ماورای جو مشخص می‌نماید و همچنین «اجسام آسمانی» را می‌توان نخستین معضلی دانست که گریبانگیر این نظریه است. مخالفت کشورهای توسعه‌یافته نیز مانعی بزرگ در تسری نظریه به فضای ماورای جو می‌باشد. مهمترین دلیل اقتصادی این مخالفت‌ها، بیزاری این کشورها از تقسیم سود حاصله از منافع فعالیت‌های فضایی و الزام به توزیع اطلاعات سودمند اقتصادی با کشورهای در حال توسعه می‌باشد. دلیل نظامی این مخالفت، در محدودیت‌هایی که این نظریه بر فعالیت‌های نظامی در فضای ماورای جو مترتب می‌سازد، نهفته است. ناکارآمدی معاهده‌ی ماه (به‌عنوان مهمترین سند تبیین‌کننده‌ی نظریه‌ی میراث مشترک بشریت در فضای ماورای جو) به دلایلی چون: عدم انطباق با واقعیت‌های زمان تصویب و زمان کنونی، دربرداشتن نظریه‌ی میراث مشترک (که تعهداتی را بر کشورهای توسعه‌یافته تحمیل می‌کند) و همچنین عدم سازگاری با منافع موسسات خصوصی از جمله موانع اعمال این مفهوم در فضای ماورای جو محسوب می‌شود. همچنین میراث مشترک بشریت به‌عنوان مفهومی نوظهور و ابهام‌آلود، برای آراسته شدن به نظم حقوقی همواره با مانعی بزرگ، یعنی دشواری حصول توافق در تدوین مقررات مربوط به فضای ماورای جو روبرو بوده است. علل این دشواری را باید در رای‌گیری به شیوه‌ی اجماع در نهاد قانون‌ساز کمیته‌ی استفاده صلح‌آمیز از فضای ماورای جو و نیز طولانی بودن فرآیند قاعده‌مندسازی فعالیت‌های فضایی توسط سازمان ملل، دانست. در کنار موارد برشمرده شده، فقدان نهاد بین‌المللی برای اداره و نظارت بر فعالیت‌های فضایی را نیز باید یکی دیگر از چالش‌ها دانست.

به نظر می‌رسد در جهت رفع موانع و چالش‌های برشمرده شده، پیشنهادهاتی که در ادامه خواهد آمد کارساز باشد: نخست، به تشریح عناصر و تبیین مقوله‌های مرتبط با نظریه‌ی میراث مشترک بشریت در فضای ماورای جو پرداخته شود. این موضوع می‌تواند از طریق ورود این عناصر و مقوله‌ها به نظام داخلی کشورها و نیز قطعنامه‌های صادره از سوی مجمع عمومی سازمان ملل باشد. اگرچه این قطعنامه‌ها فاقد خصیصه‌ی الزام‌آور هستند، اما عمل و احترام به آنها ممکن است در دراز مدت، منجر به ایجاد عرف حقوقی بین‌المللی گردد. دوم آنکه، سازمانی جهانی به منظور نظارت بر فعالیت‌های فضای ماورای جو، به‌ویژه فعالیت‌های اقتصادی و همچنین جلوگیری از نظامی‌سازی این محیط تاسیس شود. در ایجاد این نهاد می‌توان از مسیری که کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای برای ایجاد «مقام بین‌المللی اعماق دریاهای» پیموده است (به شرط تغییرات متناسب با اوضاع و احوال فضای ماورای جو) و همچنین تجارب آژانس فضایی اروپا، بهره‌جست. و نهایت آنکه، اصلاح معاهده‌ی ماه، آن هم در زمانی که تکنولوژی توسعه پیدا کرده و بهره‌برداری از منابع طبیعی ماه به یک مساله‌ی روز تبدیل شود، خواهد توانست به مشکل ناکارآمدی آن خاتمه داده و در جهت زدودن یکی دیگر از موانع، گام بردارد. در این اصلاح، که می‌تواند از طریق یک پروتکل الحاقی باشد، لازم است که نسبت به قاعده‌مند ساختن نظام مالکیت در فضای ماورای جو و بازبینی مقوله‌هایی چون تقسیم منصفانه منافع و انتقال اجباری فن‌آوری، تغییراتی صورت گرفته و به منافع شرکت‌های خصوصی با توجه به گسترش فعالیت‌های آنها در فضای ماورای جو نیز توجه شود.

پی‌نوشت‌ها

۱ - «رضایت دولت کلیتاً به تصویب کنوانسیون حقوق دریاها و موافقتنامه اجرایی ۲۸ ژوئای ۱۹۹۴ در اجرای بخش یازدهم کنوانسیون، سیاست‌های پیشین دولت آمریکا در مخالفت با میراث مشترک بشریت را نقض نمی‌نماید، زیرا نوع میراث مشترک بشریت در این موافقتنامه ویرایش جدیدی است از میراث مشترک که مبتنی بر اقتصاد لیبرالیستی و بازار آزاد است» (جمالی، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

۲- معاهده‌ی فضای ماورای جو بیان می‌دارد: «فضای ماورای جو شامل ماه و سایر اجرام آسمانی نمی‌تواند با ادعای حاکمیت، از طریق بهره‌برداری یا تصرف یا هر روش دیگری مورد تخصیص ملی قرار گیرند» (ماده ۲). ماده ۱۱ معاهده‌ی ماه نیز پس از بیان عبارتی مشابه در مورد کره‌ی ماه (بند ۲)، در ادامه می‌افزاید: «نه سطح ماه و نه زیر سطح آن و نه هیچ بخش دیگری از منابع طبیعی آن به مالکیت هیچ کشور، سازمان بین‌المللی دولتی یا غیردولتی، سازمان ملی یا موسسه غیردولتی یا هر شخص حقیقی در نخواهد آمد» (بند ۳). معاهده‌ی ماه هیچ نوع استقرار اعم از استقرار اشخاص، تجهیزات، ایستگاه‌ها و تاسیسات را موجد حق مالکیت نمی‌داند (بند ۳). قطعنامه‌ی همکاری بین‌المللی در خصوص کاربردهای مسالمت‌آمیز از فضای ماورای جو (مصوب ۱۹۶۱ مجمع عمومی) و اعلامیه‌ی اصول حقوقی حاکم بر فعالیت کشورها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو (مصوب ۱۹۶۳ مجمع عمومی) نیز تخصیص ملی را منع نموده‌اند.

منابع و مأخذ

الف. فارسی

- آقایی، بهمن (۱۳۷۸)؛ فرهنگ حقوقی بهمن، تهران، انتشارات گنج دانش.
- جمالی، حمیدرضا (۱۳۸۹)؛ «میراث مشترک بشریت، مفهوم و کاربرد آن در حقوق بین‌الملل»، دانشنامه حقوق و سیاست، ۶: ۷۵-۶۰.
- (۱۳۸۸)؛ «نقد نظریه تاریخی حاکمیت در پرتو مفهوم میراث مشترک بشر»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۳: ۱۱۸-۴.
- خسروی، مجید (۱۳۸۱)؛ هوا و فضا از دیدگاه حقوقی، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی و سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۹)؛ **حقوق بین‌الملل عمومی**، تهران، انتشارات گنج دانش.

ب. انگلیسی

Bautista Payoyo, Peter (1994); **Ocean governance: sustainable development of the Seas**, The United Nations University Press.

Available at:

<http://archive.unu.edu/unupress/unupbooks/uu15oe/uu15oe0q.htm>

B. Dietrich, George (2002); **Extending the Principle of the Common Heritage of Mankind to Outer Space**, (A thesis for the degree of Master of Laws), Institute of Air and Space Law, McGill University. Available at: http://digitool.library.mcgill.ca/R/?func=dbin-jump-full&object_id=29561&local_base=GEN01-MCG02

Billings, Lina (2006); **How Shall We Live in Space? Culture, Law and Ethics in Spacefaring Society**. Available at:

<http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0265964606000749>

Danilenko, G.M. (1988); **the Concept of the Common Heritage of Mankind in International Law**, Annals of Air and Space Law.

Available at:

http://books.google.com/books/about/The_Concept_of_the_Common_Heritage_of_Ma.html?id=9W1Hi_AfNvQC

De Man, Philip (2010); **the Exploitation of Outer Space and Celestial Bodies – A Functional Solution to the Natural Resource Challenge**. Available at:

http://ghum.kuleuven.be/ggs/events/2011/01_2011/doctoral_deman_26jan.pdf

Ervin, Scott (1984); **Law in a Vacuum: The Common Heritage doctrine in outer Space Law**, Boston College International and Comparative Law Review, (Vol. 7; Issue 2; Art. 9). Available at:

<http://lawdigitalcommons.bc.edu/iclr/vol7/iss2/9/>

Gabrynowicz, J.I. (1992); **the province and heritage of mankind reconsidered: A new beginning**, The Second Conference on Lunar Bases and Space Activities of the 21st Century, Proceedings from a conference held in Houston, 1988, NASA Conference P. 3166, available at: <http://adsabs.harvard.edu/full/1992lbsa.conf.691G>

Gabrynowicz, Joanne Irene & Etil Serrao, Jacqueline (2004); **An Introduction to Space Law for Decision Makers**, Journal of Space Law (University of Mississippi School of Law), Vol. 30, No. 2. Available at: http://www.spacelaw.olemiss.edu/JSL/Back_issues/JSL%2030-2.pdf

Gál, Gyula (2004); **Some Remarks to General Clauses of Treaty Space Law**, Journal of the International Law Department of the University of Miskolc, Vol. 1. Available at: <http://www.unimiskolc.hu/~wwwdrint/mjil/20041gal1.pdf>

George Cherian, Jijo & Abraham, Job (2007); **Concept of Private Property in Space-An Analysis**, Journal of International Commercial Law and Technology, National University of Advanced Legal Studies, Kerala, India, (Vol. 2, Issue 4). Available at: <http://www.jiclt.com/index.php/jiclt/article/viewDownloadInterstitial/34/33>

Jakhu, Ram (2009); **Who Owns the Moon?** Institute of Air and Space Law, McGill University, Montreal, Canada. Available at: http://www.libri.de/shop/action/productDetails/11433357/virgiliu_pop_who_owns_the_moon.html

Kopal, Vladimir (1972); **the development of legal arrangements for the peaceful uses of the Moon** (Proceedings of the 15th Colloquium on the Law of Outer Space). Available at:

<http://www.law.stanford.edu/library/blog/?tag=journal-of-space-law>

S.Vereshchetin, Vladlen (1984); **Limiting and Banning Military Use of Outer Space: Issues of international law**, In Essays in International Law in Honour of Judge Manfred Laches, by: Martinus Nijhoff Publishers. Available at:

http://books.google.com/books?id=QAd7F6T_Ys4C&printsec=frontcover#v=onepage&q&f=false

United Nations Treaties and Principles on Outer Space (2008), United Nations Publication, New York. Available at:

http://www.oosa.unvienna.org/pdf/publications/st_space_11rev2E.pdf

Wolter, Detlev (2006); **Common security in outer space and international law**, United Nations Institute for Disarmament Research, Geneva, Switzerland. Available at:

http://www.unidir.org/bdd/fiche-ouvrage.php?ref_ouvrage=92-9045-177-7-en